



## The Impact of Iraq's Dependence on the Soviet Union on Iran-Iraq Relations, 1958-1979

Farajollah Ahmadi<sup>1</sup> & Viyan Ali Saleh<sup>2</sup>  
(1-22)

From the establishment of Iraq in 1932 up to the Iraqi coup of 1958, the disputes between the two neighboring countries of Iran and Iraq did not extend beyond boundary disputes and lead to severe tensions and disputes between them due to the royal structure of their ruling system, their membership in the Baghdad Pact, and the dependence of both governments on the Western bloc. However, there was a period of tension, threats and regional competitions between them after the 1958 military coup in Iraq by Abd al-Karim Qasim and Iraq's tendency to establish friendly relations with the Soviet Union (Eastern Bloc). This article investigates Iraq's relations with the Soviet Union and its impact on the foreign relations of Iran and Iraq from 1958 to 1979. The question dealt with in this study is: "How did Iraq's dependence on the Soviet Union impact the Iran-Iraq relations from 1958 to 1979?" It is argued that Iraq established friendly relations with the Eastern bloc in line with the Soviet policy after the coup of 1958 in order to gain a more prominent role in the Persian Gulf and enhance its military and political power in the region, which added to the conflicts and disputes between Iran and Iraq, as well as their arms races and interventions in each other's internal affairs and support of the opposition groups in the two countries. Discussing the history of Iran-Iraq relations before the Iraqi coup of 1958, this article points to Iran's post-coup concerns due to the change of Iraqi government and its tendency to the Eastern bloc. Delving into the Iraq-Soviet relations, this study examines the impacts of Iraq's dependence on the Soviet Union on Iran-Iraq relations manifested by their arms races and support for the opposition groups in the two countries.

**Keywords:** Bipolar System, Soviet Union, Foreign Relations, Iran, Iraq, Arms Races.

Received: 4, October, 2020; Accepted: 21, September, 2021

doi  
10.22059/jis.2021.311229.911  
Print ISSN: 2252-0643-Online ISSN: 2676-4601  
<https://jis.ut.ac.ir>

1. Email of the corresponding author: fahmadi@ut.ac.ir  
Associate Professor of History University of Tehran, Tehran, Iran.  
2. Ph. D Candidate of History University of Tehran, Tehran, Iran.

## تأثیر وابستگی عراق به شوروی بر مناسبات ایران و عراق

۱۳۳۷-۱۳۵۷ (۱۹۵۸ تا ۱۹۷۹)

فرج‌الله احمدی<sup>۱</sup>

دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، تهران، ایران.

ویان علی صالح

دانشجوی دکتری تاریخ ایران دانشگاه تهران تهران، ایران.

تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۷/۱۳؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۶/۳۰

علمی - پژوهشی

### چکیده

از بدو تأسیس کشور عراق در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) تا کودتای سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) به علت ساختار نظام حاکم بر دو کشور ایران و عراق که سلطنتی بود؛ و عضویت آنها در پیمان بغداد همچنین وابستگی هر دو دولت به بلوک غرب اختلافات دو کشور در حد اختلافات مرزی دو همسایه باقی ماند و منجر به تنش و اختلافات حاد بین دو کشور نشد. بعد از وقوع کودتای نظامی عراق توسط عبدالکریم قاسم در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) و گرایش این کشور به برقراری روابط دوستانه با شوروی (بلوک شرق) دورانی از تنش، تهدید و رقابت‌های منطقه‌ای بین دو کشور ایران و عراق آغاز گردید. این مقاله به بررسی روابط عراق با شوروی و تأثیر آن بر روابط خارجی ایران و عراق در طی سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۵۷ (۱۹۷۹-۱۹۵۸) می‌پردازد؛ و به این پرسش پاسخ می‌دهد که وابسته شدن عراق به شوروی چه تأثیری بر روابط ایران و عراق در سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۵۷ (۱۹۵۸-۱۹۷۹) بر جای گذاشت؟ استدلال این مقاله این است که پس از کودتای سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) در عراق، این کشور با برقراری روابط دوستانه با بلوک شرق در راستای سیاست شوروی، سعی در به دست آوردن نقشی مهم‌تر در خلیج فارس و افزایش توان نظامی، سیاسی خود در منطقه داشت؛ که این امر کشمکش‌ها و اختلافات بین دو کشور ایران و عراق را افزایش داد؛ و باعث ایجاد و افزایش رقابت‌های تسلیحاتی و دخالت در امور داخلی و حمایت از گروه‌های معارض دو کشور گردید. این مقاله، ضمن پرداختن به پیشینه روابط ایران و عراق قبل از کودتای ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) به نگرانی‌هایی که بعد از کودتا و تغییر حکومت عراق و گرایش آن به بلوک شرق برای ایران پدید آمد اشاره کرده و ضمن بررسی روابط عراق و شوروی، پیامدهای مهم وابستگی عراق به شوروی را بر روابط ایران و عراق در قالب رقابت‌های تسلیحاتی و حمایت از گروه‌های معارض دو کشور مورد بررسی قرار داده است.

**واژه‌های کلیدی:** نظام دوقطبی، شوروی، روابط خارجی، ایران، عراق. رقابت‌های تسلیحاتی.

### مقدمه

خاورمیانه به دلیل موقعیت ژئواستراتژی و ژئواستراتژیک از اهمیت زیادی برای قدرت‌های جهانی برخوردار است. دو کشور ایران و عراق که از کشورهای مهم منطقه خاورمیانه هستند، با برخورداری از منابع عظیم نفتی و گازی، در کنار شاهراه انرژی (خلیج فارس)، از دیرباز برای کشورهای استعماری جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند. با آغاز جنگ سرد و

حاکمیت نظام دوقطبی، آمریکا جایگاه بریتانیا را در خاورمیانه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای جدید به دست آورد و کشورهای منطقه هرکدام در دسته‌بندی‌های دو بلوک شرق و غرب قرار گرفتند. در این میان روابط خارجی ایران و عراق از این دسته‌بندی‌ها بی‌تأثیر نبود.

کشور عراق بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی ایجاد شد و تحت قیمومیت انگلستان قرار گرفت. این کشور در سال ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) با انعقاد قراردادی مبتنی بر حفظ حقوق خود در منابع نفتی عراق و اجازه استفاده از پایگاه‌های نظامی آن و مهم‌تر از همه نظارت یا به نحوی دخالت در روابط خارجی این کشور، به قیمومیت خود پایان داد و با استقلال عراق موافقت کرد. (الجمالی، ۱۹۵۴: ۳) انگلیسی‌ها حکومت عراق را به خاندان هاشمی که شریف مکه بودند، سپردند و فیصل اول به پادشاهی عراق رسید. (کامل، ۱۹۹۱: ۵۱) دولت ایران در سال ۱۹۲۹ (۱۳۰۸) کشور عراق را به رسمیت شناخت (وزارت خارجه، ۱۳۴۸: ۵-۸) و متعاقب آن یک هیأت حسن نیت از جانب پادشاه عراق با درخواست برقراری روابط سیاسی به ایران فرستاده شد. با مذاکره مستقیم طرفین بر سر اختلاف‌های مرزی به‌خصوص مسئله اروندرود، در ۱۳ تیر ۱۳۱۶ (۴ جولای ۱۹۳۷) طی قراردادی، حق کشتیرانی در سراسر اروندرود به‌استثناء پنج کیلومتر از آب‌های ساحلی مقابل آبادان و خرمشهر، به دولت عراق واگذار گشت. این قرارداد زمینه را برای امضای پیمان عدم تعرض موسوم به سعدآباد هموار ساخت، (عاقلی، ۱۳۷۰: ۶۱) چراکه لازم بود ابتدا اختلاف‌های مرزی دو کشور بر سر اروندرود حل شود. این قرارداد با توجه به شرایط بین‌المللی جهان که به سوی جنگ می‌رفت، بیشتر جنبه سیاسی داشت تا حقوقی. (khadduri, 1951:235)

در ۱۷ تیر ۱۳۱۶ (۸ جولای ۱۹۳۷) میان ایران، عراق، افغانستان و ترکیه در کاخ سعدآباد پیمانی به امضا رسید که بر مبنای آن، امضاکنندگان ضمن تعیین و تأکید بر وحدت و یکپارچگی کشورهای مذکور، متعهد شدند که در برابر هرگونه خطر یا حمله به یکی از این کشورها، از آن حمایت و دفاع کنند، از مداخله در امور داخلی هم بپرهیزند، به مرزهای مشترک یکدیگر احترام بگذارند، از هرگونه تجاوز به خاک هم خودداری ورزند و در نهایت از ایجاد تشکلهای و جمعیت‌ها با هدف ایجاد اختلال در امور داخلی کشورهای هم‌پیمان اجتناب کنند (مهدوی، ۱۳۸۴: ۳۹۵).

در ۱۹ بهمن ۱۳۳۳ (۸ فوریه ۱۹۵۵)، عراق و ترکیه پیمان همکاری در زمینه سیاسی و نظامی امضا کردند که هسته اولیه پیمان بغداد محسوب می‌شد. سپس انگلستان در اول آذر ۱۳۳۳ و پاکستان در ۱۴ آبان و ایران در ۲ آذر ۱۳۳۴، به این پیمان ملحق شدند. این پیمان چون در بغداد منعقد شد، به پیمان بغداد معروف گردید (بیگدلی، ۱۳۶۸: ۳۶). آمریکا و انگلستان این کشورها را تشویق کردند عضو پیمان بغداد بشوند تا نفوذ این دو قدرت در منطقه بیشتر گردد و خاورمیانه از نفوذ کمونیسم حفظ شود. البته به اطلاع شوروی هم رسانده شد که این پیمان جنبه تجاوزکارانه ندارد و ایران هرگز تبدیل به پایگاه نظامی علیه شوروی نخواهد شد (مدنی، ۱۳۵۷: ۳۳۴). بر اساس پیمان بغداد ایران و عراق به هم نزدیک‌تر شدند، اما در واقع جنگ سردی که بین آمریکا و شوروی بود به منطقه خاورمیانه کشانده شد. گسترش دامنه جنگ سرد به خاورمیانه در ایجاد کودتا و بر سر کار آمدن حکومت جدید در عراق که متمایل به شوروی بود نقش مؤثری داشت (آشوری، ۱۳۵۷: ۴۶).

این پژوهش با استفاده از منابع کتابخانه‌ای با روش توصیفی و تحلیلی در پی پاسخ به این پرسش است که وابستگی عراق به شوروی چه تأثیری بر روابط ایران و عراق در سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۵۷ (۱۹۵۸ تا ۱۹۷۹) داشته است. اگرچه روابط ایران و عراق از ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفته است؛ اما تاکنون از دیدگاه تأثیر نظام دو قطبی خصوصاً روابط عراق با شوروی و تأثیر آن بر مناسبات ایران و عراق مورد بررسی قرار نگرفته است.

### ۱. تغییر نظام حکومتی در عراق و پیامدهای آن

از آنجا که هر دولت و کشوری بر اساس ظرفیت‌ها و توانایی‌ها و در راستای حفظ منافع ملی، سیاست خارجی خود را تنظیم و قابل اجرا می‌کند، در دوره پهلوی دوم به دلیل شرایط جدید بین‌المللی، تغییرات منطقه‌ای سیاست خارجی به شکلی پایه‌گذاری شد که علاوه بر حفظ منافع ملی، هم‌جهت و بیانگر وضعیت نظام بین‌المللی هم باشد. یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر سیاست خارجی ایران نظام بین‌الملل بود که ساختاری دو قطبی داشت (Graham, 1979: 64).

در سطح منطقه‌ای ایران با خطر همسایه شمالی یعنی شوروی مواجه بود. نگاه شاه به اتحاد جماهیر شوروی به عنوان تهدید علیه امنیت ملی بود (Sbhani, 1989: 68). این تهدید از نظر ایران دو صورت داشت. شکل اول به خاطر تضاد بین کمونیسم و نظام پادشاهی بود؛ چون ایدئولوژی کمونیسم مخالفت جدی با نظام پادشاهی و سلطنتی

داشت. صورت دوم تهدید از سمت شوروی، تهدید تمامیت ارضی ایران بود که بیشتر جنبه نظامی داشت. خاطرات تاریخی ایرانیان سرشار از تجاوزهای همسایه شمالی آنها به قلمروشان است. هم در زمان تزارها و هم در زمان انقلاب کمونیستی به بعد همیشه خطر تجاوز از سمت شمال، ایران را تهدید می‌کرد. حتی در پایان جنگ جهانی دوم، ایران شاهد تخلیه نشدن مناطق شمالی خود از ارتش سرخ و حمایت شوروی از گروه‌های قومی جدایی‌طلب در آذربایجان بود (Hunter, 1990:75).

گروهی موسوم به افسران آزاد، به فرماندهی ژنرال عبدالکریم قاسم که سمت فرماندهی ارتش عراق را داشت، در شب ۲۳ تیر ۱۳۳۷ (۱۴ جولای ۱۹۵۸) با تصرف وزارت دفاع و ایستگاه رادیو و حمله به کاخ سلطنتی، حکومت مشروطه را خلع و اعلام جمهوری کردند (پارسادوست، ۱۳۸۵: ۱۲۱). کودتای نظامی در عراق باعث ایجاد نگرانی در دولت ایران شد. به نحوی که گارد سلطنتی و نیروهای نظامی ایران به حالت آماده‌باش قرار گرفتند. حوادث عراق حتی سیاست خارجی ایران را هم دچار تحولات اساسی کرد (Remazani, 1975: 279). علاوه بر میراث سنگین مشکلات مرزی که پیش از کودتا ۱۳۳۷ (۱۹۸۵) بین دو کشور وجود داشت، سرنگونی حکومت سلطنتی که توسط کودتا شکل گرفت، ایران را درباره اتفاق افتادن چنین امری در کشور نگران کرد (العانی، ۲۰۰۴: ۳۰۲). به ویژه اینکه مورد استقبال گروه‌هایی در داخل ایران قرار گرفت. برای مثال ابوالقاسم کاشانی نماینده‌اش را برای تبریک و تأیید کودتا به سفارت عراق فرستاد (مروان، ۱۹۸۹: ۳۴).

با قدرت یافتن گروه‌های طرفدار شوروی در عراق در نتیجه کودتای عبدالکریم قاسم، از یک طرف نفوذ حزب کمونیست و شوروی و از سوی دیگر پان‌عرب‌های افراطی در ساختار امنیتی تبلیغاتی و سیاسی عراق، موجب ایجاد تبلیغات ضد ایرانی در منطقه شد و عنصر ایدئولوژیکی وارد منازعه عراق و ایران گردید (دهنوی، ۱۳۸۳: ۴۳). کودتای عراق این کشور را در صف کشورهای تندرو عرب قرار داد. به نحوی که عراق اولین کشور حوزه خلیج فارس بود که نام خلیج فارس را به نام جعلی خلیج عرب تغییر داد و واکنش سریع ایران را برانگیخت. در ۱۳ مرداد ۱۳۳۷ دولت ایران طی یادداشتی اعتراض خود را به این کار عبدالکریم قاسم، به دولت جدید اعلام نمود (مار، ۱۳۸۰: ۸۷). نگرانی دیگر ایران از برقراری رابطه عراق و شوروی بعد از کودتای عبدالکریم قاسم وجود پیروان تفکر ناسیونالیسم عربی جمال عبدالناصر در بین نزدیکان قاسم بود. به چند دلیل ایران

ناسیونالیسم عربی را تهدید ارزیابی می‌کرد. ضدیت ناسیونالیسم عربی با نظام سلطنتی، حمایت کشورهای دارنده افکار ناسیونالیسم عربی از مخالفان داخلی در کشورهای محافظه‌کار مانند ایران و مهم‌تر از همه اختلاف در موضع‌گیری این کشورها با حکومت ایران بر سر جهت‌گیری بین شرق و غرب بود. مخالفت شاه با کمونیسم، رابطه با بلوک غرب و قرار گرفتن ایران در اردوگاه غرب، در مقابل قرارگیری کشورهای حامی ناسیونالیسم عربی در جبهه و اردوگاه شرق و اتحاد با شوروی، باعث ایجاد دشمنی و نگرانی ایران از این کشورها می‌شد (طارمی، ۱۳۷۹: ۱۲۳).

کودتا فقط تغییر نظام سیاسی و تغییر شکل حکومت سلطنتی به جمهوری نبود، بلکه تغییر در نقشه درگیری‌های بین‌المللی در منطقه بود (المحداوی، ۲۰۰۵: ۴۳)؛ عراق یکی از کشورهای بزرگ منطقه خلیج فارس بود و ظهور انقلاب در آن تهدیدی برای ایران محسوب می‌شد. روابط این کشور با شوروی موجب تمایل ایران برای گرفتن تعهد از امریکا برای حمایت از هم‌پیمانانش در برابر هرگونه تجاوز احتمالی عراق با کمک شوروی بود (حسین، ۱۹۸۶: ۱۸). بعد از کودتای عراق شورای وزرای امور خارجه اعضای پیمان بغداد جلسه‌ای در لندن برگزار کردند که در این جلسه ایران خواهان قرارداد دو جانبه نظامی با دولت امریکا شد. شاه با مطرح نمودن خطر حمله احتمالی عراق یا شوروی به ایران که وی آن را کمونیست بین‌المللی تعبیر می‌کرد، به دنبال ترغیب امریکا برای اعطای کمک‌های بیشتر به ایران بود. به عقیده برخی نیز پس از کودتای عراق دولت ایران در پی مذاکره با دولت شوروی برای ایجاد پیمان عدم تجاوز طی سال‌های ۳۹-۱۳۳۸ برآمد که بتواند از فشار گازانبری شوروی در مرزهای شمالی ایران و عراق در مرزهای غربی و جنوب‌غربی جلوگیری کند (ولدانی، ۱۳۷۰: ۵۸)؛ اما به خاطر مخالفت آمریکایی‌ها این مذاکرات به جایی نرسید و شکست خورد (مهدوی، ۱۳۸۹: ۲۵۸).

گرایش عراق به شوروی بر تلاش ایران مبنی بر ورود امریکا به پیمان بغداد به عنوان اتحادی ضد کمونیستی افزود و سرانجام موجب انعقاد موافقت‌نامه دفاعی ایران با امریکا شد. دلیل نگرانی‌های ایران از روابط عراق و شوروی افزایش حضور این کشور در مرزهای غربی ایران بود. شوروی همه مؤلفه‌های تهدید، از جمله مجاورت جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیات تجاوزکارانه نسبت به ایران را دارا بود و مقامات ایرانی برداشتی تهدیدآمیز از دوستی شوروی به عراق و حضور گسترده نظامی در این کشور داشتند.

انعقاد پیمان دوستی بین عراق و شوروی هراس ایران را بیشتر کرد. شاه این عهدنامه را زنگ خطری برای ایران برشمرد (مهدوی، ۱۳۸۹: ۲۴۱). یکی دیگر از عوامل شوروی هراسی حکومت ایران راهبردهای امریکا در مقابله با نفوذ شوروی بود، زیرا اصول سیاست خارجی امریکا پس از پایان جنگ جهانی دوم، مبارزه با نفوذ کمونیسم و شوروی در کشورهای در حال توسعه بود (محمدی، ۱۳۷۷: ۱۴۱). به باور فرد هالیدی تغییر ساختار حکومتی در عراق بر سیاست‌های داخلی ایران هم تأثیر گذاشت. چنانکه اجرای طرح تشویقی عبدالکریم قاسم در راستای تقسیم زمین‌های بزرگ بین کشاورزان که با توجه به نفوذ تمایلات سوسیالیستی در حکومت عراق انجام شد، موجب گردید محمدرضا شاه در پاسخ به آن اصلاحات ارضی را در دستور کار خود قرار دهد (هالیدی، ۱۳۵۸: ۳۶).

یکی از اهداف شوروی در نزدیک شدن به عراق و ایجاد رابطه با این کشور تحت فشار قرار دادن ایران و تهدید غیرمستقیم این کشور بود که چنانچه ایران اجازه مستقر کردن موشک‌های هسته‌ای را در خاکش به امریکا و متحدانش بدهد، شوروی هم متقابلاً مرزهای غربی ایران را به وسیله تجهیز و تحریک عراق و دامن زدن به اختلافات دو کشور خطرناک کند. ایران امیدوار بود با اتخاذ سیاست مستقل ملی و بهبود روابط با شوروی بتواند خطر حمله نظامی این کشور را علیه تمامیت ارضی کاهش دهد و بتواند از همکاری و کمک شوروی به عراق جلوگیری نماید (Hunter, 1993: 24). از سوی دیگر یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های ایران در افزایش روابط تجاری و اقتصادی با شوروی جنبه سیاسی داشت، به ویژه در دهه ۷۰ میلادی ایران خواهان همکاری اقتصادی با شوروی و به تبع آن تعدیل روابط مسکو و بغداد بود (کاردانکوس، ۱۳۶۷: ۲۲۷).

تحلیلگران شوروی به‌طور مداوم فعالیت‌های غرب را به عنوان طرحی برای تشدید تنش‌ها بین عراق و ایران تفسیر می‌کردند. آن‌ها این تلاش‌ها را به عنوان بخشی جدایی‌ناپذیر از استراتژی تقسیم و قاعده غرب به تصویر می‌کشیدند و منشأ اختلافات ایران و عراق را به «عصر شوم سلطه استعمار در خاورمیانه» می‌رساندند و مدعی بودند غرب در پی ایجاد اختلاف بین ایران و عراق است و به دنبال کاهش قدرت بریتانیا در خاورمیانه، ایالات متحده به سیاست‌های تشدید تنش‌ها بین دو همسایه ادامه می‌دهد. در نتیجه باعث سوءتفاهم و تعارض در منطقه شده، رقابت‌های منطقه‌ای را شدت می‌بخشد و مانع همکاری بین تولیدکنندگان نفت می‌شود (Sheikh, 1987: 106).

## ۲. روابط عراق و شوروی

در سال‌های پایانی جنگ جهانی دوم و لزوم حفظ جبهه شوروی متفقین تصمیم گرفتند کمک‌های نظامی را از طریق خلیج فارس به شوروی ارسال کنند. دو مسیر اصلی برای این منظور در نظر گرفته شد. مسیر اول: محموله‌ها از طریق بندرهای بصره و ام‌قصر در عراق به بغداد و از طریق راه‌آهن به کرکوک منتقل می‌گردید. سپس توسط کامیون‌های انگلیسی به ایران و از آنجا توسط کامیون‌های شوروی حمل و از طریق راه‌آهن تبریز به شوروی منتقل می‌شد. مسیر دوم: بعد از ورود به بنادر عراق و بغداد با نفت‌کش‌های انگلیسی به خانقین و سپس قزوین حمل شده، از آنجا با نفتکش‌های شوروی به بندر پهلوی ایران می‌رفت و با کشتی به شوروی ارسال می‌شد. این امر به وضوح اهمیت استراتژیک عراق را برای دفاع و امنیت کشور شوروی نشان داد و نظر شوروی را به عراق جلب نمود (Kozhanov, 2012:481).

در سال ۱۳۲۳ (۱۹۴۴) اولین دیپلمات شوروی وارد بغداد شد. این نخستین گام این کشور برای برقراری رابطه سیاسی با عراق تازه تأسیس بود، اما چون سیاست خارجی عراق زیر نظر انگلستان اداره می‌شد و چون تا سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷) انگلیس علاقه‌ای به ایجاد رابطه بین عراق و شوروی نداشت، دولت عراق محتاطانه با این امر برخورد کرد و در فرستادن نماینده به مسکو تعلل ورزید. روابط دو کشور در آن دوران بسیار شکننده بود و بعد از پیمان بغداد در ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) قطع گردید. بعد از سقوط حکومت پادشاهی عراق در ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) شوروی به سرعت حکومت جدید را به رسمیت شناخت، روابط دیپلماتیک بین دو طرف برقرار شد و روابط شوروی و عراق توسعه یافت (العکیدی، ۲۰۰۸: ۳۵۴). احساسات ضداستعماری غربی و سابقه حکومتی دست‌نشانده انگلیس و غرب بر عراق و شکاف طبقاتی که منجر به اعتراضات پیاپی شده بود، باعث پیداشدن فرصت برای نفوذ شوروی و ایجاد روابط عراق و شوروی گردید (Fukuyama, 1980: 349).

کودتای عبدالکریم قاسم در ۲۳ تیر ۱۳۳۷ (۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸) که موجب سقوط نظام سلطنتی در عراق شد، نقطه عطفی در روابط عراق و شوروی به وجود آورد. با توجه به جنگ سرد و رقابت امریکا و شوروی و حاکمیت نظام سلطنتی که به غرب تمایل داشت، روابط دو کشور به شکل عادی و متأثر از روابط عراق با بلوک غرب به خصوص انگلستان بود. با سرنگونی حکومت سلطنتی در عراق و ایجاد جمهوری به رهبری ژنرال



عبدالکریم قاسم موجبات گرایش عراق به سمت شوروی فراهم شد (ولدانی ۱۳۶۷:۳۳۴). طی توافقنامه‌ای که در سال ۱۳۳۸ (۱۹۵۹) بین دو کشور منعقد شد، شوروی ۱۳۷ میلیون دلار برای توسعه اقتصادی عراق فراهم نمود. با اینکه بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۲ به دلیل رفتار نامناسب ژنرال قاسم با کمونیست‌های عراق که ابتدای حکومت وی دارای قدرت بودند، بین عراق و شوروی کدورت ایجاد شد، اما این مسئله مانع از ادامه همکاری‌های نظامی و اقتصادی مسکو و بغداد نشد (Smolansky, 1991:14). بعد از کودتای عبدالسلام عارف در ۱۹ بهمن ۱۳۴۱ (۸ فوریه ۱۹۶۳) و سقوط حکومت عبدالکریم قاسم به علت سرکوب حزب کمونیست عراق و شدت گرفتن سرکوب کردها و سعی در تغییر بافت جمعیتی شهرهای کردنشین به عرب نشین و تا حدی گرایش عبدالسلام عارف به غرب، روابط عراق و شوروی وارد مرحله جدیدی شد. شوروی مراتب نگرانی و اعتراضش را به سرکوب کمونیست‌ها و کردها در عراق ابراز نمود، اما این اعتراض مانع همکاری‌های اقتصادی و سیاسی دو کشور نگردید. با سقوط بالگرد حامل عبدالسلام عارف در نزدیکی بصره و کشته شدن وی، برادرش عبدالرحمان عارف در ۲۵ فروردین ۱۳۴۲ (۱۴ آوریل ۱۹۶۳) جایگزین وی شد. با در پیش گرفتن سیاست آشتی ملی روابط شوروی و عراق بهبود یافت. سفر عبدالرحمان البزاز، نخست‌وزیر عراق به مسکو در ۱۳۴۵ (۱۹۶۶) یک نقطه عطف در روند بهبود روابط شوروی و عراق بود. همچنین شوروی از موضع دولت عراق در تاریخ ۸ تیر ۱۳۴۵ (۲۹ ژوئن ۱۹۶۶) در مورد به رسمیت شناختن حقوق ملی و زبانی کردها استقبال کرد. سفر عبدالرحمان عارف همراه رئیس‌جمهور الجزایر هواری بومدین در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) به عنوان نمایندگان اجلاس عرب قاهره به مسکو نشان از روابط حسنه عراق و شوروی داشت. طی کودتای حزب بعث در ۲۶ تیر ۱۳۴۷ (۱۷ ژوئیه ۱۹۶۸) و حکومت این حزب بر عراق، روابط دو کشور دوستانه بود و میزان همکاری‌های نظامی اقتصادی و سیاسی شوروی با عراق افزایش یافت. با نگاهی به سال‌های مابین ۱۳۴۷-۱۳۵۴ (۱۹۶۸-۱۹۷۵) می‌توان موج بالای نفوذ شوروی در عراق را مشاهده کرد (99: Ismael, and Kreutz 2001).

در دهه ۱۳۵۰ (۱۹۷۰)، عراق یکی از متحدان قابل اعتماد شوروی بود (Pitty, 1988: 24). تصویری که مطبوعات مسکو درباره روابط با عراق ارائه می‌کردند، نشان‌دهنده عراق به عنوان یک متحد قابل توجه بود، نه یک دست‌نشانده شوروی (Smolansky and Smolansky, 1991: 86) در ۲۰ فروردین ۱۳۵۱ (۹ آوریل ۱۹۷۲)، یک معاهده دوستی و

همکاری بین شوروی و عراق امضا شد. معاهده‌ای که نتیجه ابتکار عمل عراق بود و به این کشور امکان گسترش همکاری و گرفتن تجهیزات متنوع نظامی و حمایت بیشتر شوروی را فراهم می‌ساخت. دو کشور اعلام نمودند این معاهده بر ضرورت اقدام هماهنگ در زمینه بین‌المللی برای اطمینان از صلح و امنیت جهانی و توسعه همکاری سیاسی بین عراق و شوروی منعقد شده است. این امر باعث نگرانی‌های بیشتر همسایگان عراق گردید (Ismael, and Kreutz 2001 : 104).

از زمان سقوط حکومت سلطنتی طرفدار غرب در عراق و کودتای عبدالکریم قاسم که آغاز روابط دوستانه شوروی و عراق و خرید سلاح از این کشور بود. نزدیک به سه دهه تا اواخر دهه ۱۳۶۰ (۱۹۸۰) همکاری شوروی و عراق نزدیک و چندوجهی بود و در بیشتر مقاطع حتی به طور رسمی مشارکت استراتژیک نامیده می‌شد. با این حال این بدین معنی نیست که در تمام آن مدت روابط متقابل آنها همیشه به یک اندازه دوستانه و بدون اختلافات سیاسی بوده است؛ اما روابط عراق گرم‌تر و دوستانه‌تر از روابط دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس با شوروی بود. رهبران عراق در طی این رابطه هیچ‌گاه منافع ملی خود را نادیده نگرفتند یا مروج شوروی نشدند. آنها در آغاز نیاز به یک حامی قدرتمند برای کوتاه کردن بقایای استعمار انگلیس و ایجاد عراق به عنوان عضوی خودمختار از نظم جهانی و بالا بردن توان خرید تسلیحات نظامی در راستای اهدافشان داشتند (Pitty, 1988: 32).

### ۳. روابط ایران و عراق: از رقابت تسلیحاتی تا حمایت از گروه‌های معارض

#### ۳-۱. رقابت تسلیحاتی

اختلافات بین ایران و عراق فقط در سطح تنش دیپلماتیک و ایجاد رابطه سرد و کشمکش‌های سیاسی باقی نماند. بلکه گاهی به زد خورد و رویارویی نظامی هم انجامید. این تحركات نظامی به‌علاوه اختلافات مرزی و کشمکش بر سر آن، در روابط دو کشور باعث ایجاد جو بی‌اعتمادی خصوصت گردید. تحركات نظامی در مرزها همچنین دخالت در امور داخلی یکدیگر و حمایت از گروه‌های مخالف کشور مقابل و رقابت بر سر برتری در منطقه، باعث ایجاد انگیزه خرید تسلیحات و بالا بردن توان نظامی یا به تعبیر دیگر رقابت تسلیحاتی بین دو کشور شد. در این میان شرایط و ساختار نظام جهانی که بر اساس فضای جنگ سرد بین آمریکا و شوروی و دسته‌بندی‌های این دو ابرقدرت ایجاد شده بود و تمام مناطق جهان را تحت تأثیر خود قرار داده بود، در کنار افزایش قیمت نفت و درآمدهای نفتی، سرعت رقابت تسلیحاتی بین دو کشور را بیشتر می‌کرد.

هنگامی که عراق تحت قیمومیت و سپس نفوذ انگلستان قرار داشت، دارای یک سپاه از افراد محلی که با شیوه غربی آموزش دیده بودند، بود. لندن ارتش عراق را به عنوان یک نیروی داوطلبانه کوچک در امتداد سیاست انگلیس برای تأمین منافع استراتژیک خود تصور می‌کرد، اما دولت عراق می‌خواست از آنها ارتشی بزرگ تشکیل دهد که شامل تمام اقوام باشد که به صورت متحد و یکپارچه به عراق خدمت کنند. گرچه در دوره حکومت سلطنتی این امر برای عراق اتفاق نیفتاد (Al-Marashi and Salama, 2008 : 88).

بعد از کودتای ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) عراق سعی کرد ابتدا از بلوک غرب اسلحه خریداری کند، اما امتناع آمریکا و انگلیس و تحویل ندادن اسلحه‌هایی که قبلاً توافق شده بود، ارتباط تسلیحاتی بین مسکو و بغداد را تسهیل کرد. به همین دلیل عراق درست پس از کودتای ۱۹۵۸ شروع به خرید اسلحه از شوروی نمود. شوروی از سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) تا زمان جنگ ۱۹۶۷ به عنوان تنها تأمین‌کننده سلاح در عراق شناخته شد. فروش اسلحه شوروی به عراق در سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) از نظر نوع و دامنه بسیار گسترده بود. به عنوان مثال عراق ۸۶ فرونده هواپیما از انواع ترابری، بمبافکن و جنگنده‌های رزمی و ۳۲۰ تانک را از شوروی در پنج ماه آخر سال ۱۳۳۷ (۱۹۵۸) سفارش داد. شوروی یک وام ۵۰۰ میلیون دلاری به عراق داد تا بتواند هزینه تسلیحات را پرداخت کند. با اینکه بیشتر تحویل‌ها تا سال ۱۳۴۲ (۱۹۶۳) انجام گرفت و عراق همچنان به توافق‌نامه تسلیحاتی جدید ادامه داد (Pirincci, 2015:236). این کشور در بین سال‌های ۱۳۵۳-۱۳۳۷ (۱۹۵۸ تا ۱۹۷۴) از نظر واردات و خرید تجهیزات نظامی ساخت شوروی دارای مقام سوم میان کشورهای دنیا بود. به طوری که تا قبل از سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) حدود دو میلیارد دلار تسلیحات نظامی خریداری کرده بود (Kuninlm, 1984: 23).

ایران هم از سال ۱۳۴۲ به بعد شروع به خرید تجهیزات و هواپیماهای پیشرفته نمود و سفارش ۸۰ فروند هواپیما اف-۱۴ و ۸۰۰ دستگاه تانک چیفتن و ۵۰۰ فروند بالگرد به آمریکا سفارش داد (امیری، ۱۳۵۵: ۷۴). خرید تجهیزات نظامی گسترده عراق از شوروی موجب نگرانی و بدبینی ایران گردید. به نحوی که مقامات ایرانی در مصاحبه و صحبت‌هایشان به افزایش تهدید قدرت نظامی عراق اشاره می‌کردند. عباسعلی خلعتبری، وزیر امور خارجه ایران در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) طی مصاحبه با روزنامه واشنگتن‌پست اظهار داشت که افزایش خریدهای تسلیحاتی عراق از شوروی ایران را علی‌رغم میلش وارد مسابقه تسلیحاتی کرده است. امیراصلان افشار، سفیر ایران در

واشنگتن هم در اشاره به مسئله خرید تسلیحات نظامی توسط ایران گفت سلاح‌هایی که ایران از امریکا خریداری کرده است، بیشتر از سلاح‌هایی که عراق از شوروی دریافت می‌کند، نیست (مهدوی، ۱۳۸۹: ۲۱۵).

البته این نگرانی و احساس تهدید دو طرفه بود. از نگاه عراق هم ایران همیشه تهدیدی برای تمامیت ارضی این کشور بود. به خصوص بعد از کودتای ۱۳۳۷ (۱۹۸۵) و تفاوت در ساختار حکومتی و گرایش به بلوک‌های متفاوت یک نوع رقابت و احساس خطر بین دو کشور ایجاد شد. این حس تهدید و خطر نسبت به همسایه شرقی‌اش یعنی ایران بعد از سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) در سیاست خارجی و نظامی عراق مشهودتر است. از این‌رو تمرکز بیشتری بر افزایش توان نظامی خود معطوف نمود. یکی از دلایل مهم امضا قرارداد ۱۵ ساله دوستی و همکاری با شوروی، وجود همین حس تهدید و خطر نسبت به ایران بود (Hippler, 1991: 29). شوروی به منظور سهولت خرید اسلحه در چارچوب توافقنامه‌های نظامی به عراق کمک هزینه مالی می‌کرد. بین سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۴۷ (۱۹۵۸-۱۹۶۸)، ۴۷۰ میلیون دلار به این کشور وام بلاعوض داده بود. در حالی که سوریه در سال ۱۹۵۵-۱۹۶۸، ۳۸۸ میلیون دلار دریافت کرده بود. مصر، سوریه و عراق مهم‌ترین دریافت‌کنندگان کمک‌های شوروی بودند (Simon, 1985: 97).

امضای قرارداد مودت بین شوروی و عراق در سال ۱۹۷۲ (۱۳۵۱) دو کشور را متعهد کرد، ۱۵ سال با هم همکاری سیاسی و اقتصادی داشته باشد. این قرارداد در واکنش به بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه توسط ایران، بین شوروی و عراق منعقد شد و اختلافات ایران و عراق را از حالت منطقه‌ای و بین دو همسایه، در سطح جهانی گسترش داد (امینی، ۱۳۸۶: ۲۲۳)؛ و باعث واکنش آمریکا شد. در سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) ریچارد نیکسون که در رأس هیأتی بلندپایه در تهران به سر می‌برد، با تجهیز ارتش ایران و تحویل هواپیماهای اف-۱۴ و اف-۱۵ مورد درخواست ایران و قبول دیگر سفارش‌های تسلیحاتی این کشور بدون بررسی مجدد، موافقت کرد (عزتی، ۱۳۸۴: ۱۱۷). با افزایش قیمت و درآمدهای نفتی به همراه دکترین نیکسون، به ایران امکان تقویت و نوسازی ارتش خود را داد (میلانی، ۱۳۸۰: ۳۰۷). به دنبال خروج انگلستان از خلیج فارس مسئله جایگزینی نیروهای انگلیسی مطرح شد. آمریکا به علت درگیری در جنگ ویتنام، نمی‌توانست حضور ویژه‌ای در خلیج فارس داشته باشد، اما نمی‌خواست غیبت نیروهای انگلستان موقعیت را برای حضور نیروی دریایی شوروی در خلیج فارس مهیا کند (Young, 1969: )

17؛ چراکه با اعلام خروج نیروهای انگلیس از خلیج فارس، شوروی یک ناوگان دریایی برای بازدید از بنادر هند فرستاد و این ناوگان قبل از بازگشت به شوروی از بنادر پاکستان و عراق و سومالی هم بازدید به عمل آورد (الهی، ۱۳۸۴: ۲۷۱).

با به قدرت رسیدن نیکسون در ژانویه ۱۹۶۹، سیاست حضور مستقیم آمریکا در منطقه به سیاست کنترل ثبات و امنیت خلیج فارس توسط دولت‌های منطقه با هزینه آنها تغییر یافت (اسدی، ۱۳۸۱: ۳۵۶). ایران از لحاظ توان نظامی و جمعیتی قدرتمندترین دولت خلیج فارس بود، پس توان بر عهده گرفتن نقش حافظ امنیتی خلیج فارس را داشت (Monroe, 1963: 178). بر اساس دکترین نیکسون، آمریکا شروع به تقویت قدرت نظامی ایران و عربستان کرد تا جایی که ایران با همکاری عربستان، نقش ژاندارم خلیج فارس و منطقه را به عهده گرفت (اسدی، ۱۳۸۸: ۳۵۷). به گفته کسینجر: «خلأ نیروهای انگلیسی در خلیج فارس توسط یک قدرت محلی و دوست برای ما پر شد» (Crist, 2013: 41). در مهر سال ۱۳۴۹ (۱۹۷۰) ایران با انجام مانور دریایی در خلیج فارس قدرت نظامی خودش را به نمایش گذاشت (Monroe, 1963: 179).

از سوی دیگر پیمان ۱۵ ساله دوستی شوروی و عراق که بر اساس آن مقادیر زیادی اسلحه و تجهیزات سنگین نظامی از شوروی دریافت کرد، در کنار افزایش قیمت نفت، باعث بالا رفتن قدرت خرید تسلیحات نظامی عراق شد. به نحوی که با اختصاص بودجه هنگفت نظامی دولت عراق توانست هواپیماهای میگ ۲۱ و ۲۳ و موشک‌های ضد هواپیمای سام-۳ و قایق‌های موشک‌دار و تانک‌های جدید و همچنین بمبافکن مافوق صوت آیو ۲۲ و هواپیماهای اس-۲۰ و موشک‌های زمین به زمین اسکاد و فراگ از شوروی تحویل گیرد (Pirincci, 2015: 233).

با گسترش همکاری‌های نظامی بین شوروی و عراق که بر اساس ماده ۹ قرارداد دوستی سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) دو کشور انجام می‌گرفت و در آن تصریح شده بود دو طرف در راستای تقویت دفاعی یکدیگر به گسترش همکاری ادامه دهند، سرعت ارسال سلاح‌های شوروی به این کشور افزایش یافت. به نحوی که عراق تا سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴)، ارتشی مجهز به ۱۳۹۰ دستگاه تانک، ۲۱۸ فروند هواپیما، ۱۰۱ فروند بالگرد و تجهیزات دیگر در اختیار داشت (Kuninilm 1984: 24). جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) که موجب افزایش قیمت نفت شد، بر جنگ قدرت ایران و عراق در منطقه تأثیر زیادی گذاشت. قیمت نفت از ۲ دلار در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) به ۱۲ دلار در مارس

۱۳۵۳ (۱۹۷۴) رسید. افزایش درآمدهای نفتی تأثیر مستقیم بر سیاست نظامی و تسلیحاتی ایران گذاشت. هدف ایران برای تبدیل شدن به مهم‌ترین قدرت نظامی در خلیج فارس منجر به واکنش منطقه‌ای علیه این کشور و شدت گرفتن رقابت تسلیحاتی شد و همین برتری نظامی ایران در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) عراق را مجبور به دادن امتیاز در اروندرود به ایران کرد. ۶۰ درصد خریدهای نظامی ایران از امریکا بود. با توجه به ارسال تجهیزات نظامی از امریکا به تهران، می‌توان ادعا کرد در دوران نیکسون ایران نقش اصلی را در سیاست‌های خلیج فارس ایفا می‌کرد. ایران با استقرار نیروهایش در پایگاه‌های نظامی و بندرهایی که قبلاً توسط نیروهای انگلیسی استفاده می‌شد، جایگزین نقش انگلیس در آب‌های خلیج فارس شد.

آمریکا به‌جای گسترش حضور نظامی خود در خلیج فارس مقدمات افزایش توانایی‌های نظامی ایران و عربستان را برای تأمین منافع حیاتی خود بر عهده گرفت. این سیاست تا انقلاب اسلامی ایران ادامه داشت (Pirincci, 2015: 234). فقط در سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) معاملات اسلحه ایران و امریکا به ارزش چهار میلیارد و سیصد و هفتاد و سه میلیون دلار رسید. این رقم در سال ۱۳۵۱ (۱۹۷۲) زیر ۵۲۰ میلیون دلار و در سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) حدود دو میلیارد و صد و پنجاه و هفت میلیارد دلار بود. ارزش کل توافق‌نامه‌های تسلیحاتی بین امریکا و ایران تا سال ۱۳۵۶ (۱۹۷۷) به شش میلیارد دلار رسید (Stork and Paul, 1983: 10). البته ایران در راستای سیاست هم‌زیستی مسالمت آمیز و عادی‌سازی روابط با شوروی اقدام به یک سری همکاری‌های نظامی و اقتصادی با شوروی نمود که در این میان می‌توان به خرید تسلیحات نظامی به ارزش ۱۱۰ میلیون دلار از شوروی اشاره کرد. البته ایران در خرید تسلیحات نظامی از بلوک شرق رضایت کامل نداشت. چون معتقد بود شوروی تجهیزات پیشرفته‌تری از تجهیزات خریداری‌شده توسط ایران را به عراق تحویل می‌دهد (Picquet, 1996: 210).

رقابت بین کشورهای منطقه برای بلوک شرق و بلوک غرب بسیار پرمفعت بود. آنها علاوه بر آوردن جنگ سرد به منطقه و رقابت نیابتی مرتب در حال تلاش برای محدود کردن حوزه نفوذ یکدیگر بودند. درحالی‌که شوروی، ایران را وابسته به بلوک غرب و مطیع سیاست‌های امریکا می‌دانست. امریکا هم عراق را اسب تروا شوروی در منطقه قلمداد می‌کرد (Simon, 1985: 102) و القای همین دیدگاه به ایران و عراق، باعث تشدید بدبینی و تهدید بین دو کشور می‌شد. بین سال‌های ۱۳۳۴-۱۳۵۹ (۱۹۵۵ تا ۱۹۸۰)

ایالات متحده و شوروی بازار اسلحه خاورمیانه را در دست داشتند. از کل فروشندگان اسلحه به خاورمیانه شوروی رتبه اول را دارا بود. کل ارزش فروش اسلحه این کشور به منطقه خاورمیانه ۳۸,۶ میلیارد دلار یا ۳۵٪ از کل خرید تسلیحاتی کشورهای جهان بود. آمریکا و متحدانش هم ۲۲/۷ میلیارد دلار اسلحه به خاورمیانه فروخته بودند (Lee, 2013: 68). ایران برای خرید تجهیزات نظامی کمک بلاعوض نمی‌خواست، بلکه بالا رفتن قیمت نفت ایران را از کمک بلاعوض آمریکا بی‌نیاز نمود و توانست هزینه تجهیزات نظامی پیشرفته را از محل درآمدهای نفتی بپردازد. این امر سبب شده بود آمریکا برای تأمین امنیت خلیج فارس و منافع حیاتی خودش در منطقه کمترین هزینه را متحمل گردد (روبین، ۱۳۶۳: ۱۰۲).

### ۳-۲. دخالت‌های داخلی و حمایت از گروه‌های معارض

بعد از کودتای عبدالکریم قاسم و خروج عراق از پیمان بغداد و برقراری روابط حسنه با شوروی بر نفوذ حزب کمونیست در عراق افزوده شد. این حزب متشکل از گروه‌های مختلفی اعم از اعراب، کردها و ترکمن‌ها، سنی‌ها و شیعیان، مسیحیان در دهه ۱۳۰۹ (۱۹۳۰)، تعدادی از یهودیان هم عضویت داشتند. آنها شامل کارگران شهری و روستایی، روشنفکران شهری، تحصیل کرده‌ای سکولار که غالباً از طبقات پایین و متوسط مردم عراق بودند، تشکیل شده بود. در ابتدا آنها با یک نفرت مشترک از امپریالیسم به هم نزدیک شده بودند. قدرت گرفتن این حزب و نفوذ شوروی در عراق هم یکی دیگر از نگرانی‌های ایران بود. چون با وخامت رابطه ایران و عراق و بیشتر شدن حس بدبینی در دو طرف، فرصت برای حضور حزب توده که از نظر حکومت ایران غیرقانونی و عامل شوروی بود، در عراق فراهم شد و امکان دخالت و حمایت از گروه‌های مخالف شاه ایران را برای عراق فراهم آورد. عراق تبدیل به پایگاهی برای گردآمدن مخالفان دولت ایران شد. به نحوی که بعد از غیرقانونی شدن فعالیت‌های حزب توده در ایران عده‌ای از رهبران فراری حزب که در آلمان شرقی و شوروی به سر می‌بردند، به بهانه نزدیکی عراق به ایران، به فعالیت در پشت مرزهای ایران پرداختند و رادیویی به زبان فارسی جهت مخالفت با حکومت ایران در عراق ایجاد کردند (طبری، ۱۳۷۳: ۲۲۳). حمله به سفارت ایران در بغداد در شهریور ۱۳۳۷ (سپتامبر ۱۹۵۸) و آتش زدن تصاویر شاه ایران در بغداد، عراق را به مرکز دشمنان ایران تبدیل نمود (عاقلی، بی تا: ۹۰).

با بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه از سوی ایران در سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱)، عراق ضمن قطع رابطه با ایران، شروع به مبارزه با این کشور در اتحادیه عرب و سازمان ملل متحد نمود. حزب بعث علاوه بر اختلاف با ایران، با دو مشکل داخلی یعنی کردها و شیعیان هم مواجه بود. آنها رویه دشمنی با کردها و سرکوبشان را شدیدتر از قبل دنبال نموده و هم‌زمان در برابر شیعیان هم ایستادند. این کار با تضعیف مرجعیت شیعه آغاز و در زمستان سال ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) با اخراج ایرانیان ساکن این کشور ادامه یافت. بین سال‌های ۱۳۵۰-۱۳۵۴ (۱۹۷۱-۱۹۷۵) تعداد زیادی از ایرانیان مقیم این کشور، شامل کردهای فیلی و مجتهدین، طلاب دینی و ایرانیان ساکن نجف و کربلا، بدون هیچ سرپناهی در مرز ایران رها و ناچار به ترک عراق شدند (جعفریان، ۱۳۸۶: ۸۹-۹۷). در این برهه از زمان با قدرت گرفتن ایران، نگرانی دولت بعثی عراق بیشتر شد و فشار بر شیعیان این کشور افزایش یافت. بسیاری از آنها به اتهام همدستی و جاسوسی برای ایران یا داشتن ریشه ایرانی از عراق اخراج شدند. همچنین با معرفی ایران به عنوان دوست اسرائیل و دشمن اعراب، کار مدارس شیعه بصره به جرم جاسوسی، پایان یافت (دیب، ۲۰۱۳: ۱۷۳). از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۲ (۱۹۷۱-۱۹۷۳)، جنگ تبلیغاتی دو کشور علیه یکدیگر بیشتر شد. تعداد زیادی از نیروهای دو طرف در دو سوی مرز مستقر شدند و زدوخوردهای پراکنده، به دفعات بین نیروهای دو کشور صورت گرفت (امینی، ۱۳۸۶: ۲۲۴).

از سوی دیگر ایران هم با حمایت و کمک به کردهای مخالف دولت عراق سعی در تضعیف دولت عراق داشت. البته مسأله‌ای که باعث حمایت ایران از کردهای معارض حکومت عراق شد، احساس خطر و نگرانی ایران در ایجاد رابطه عراق و شوروی و تقویت نیروهای نظامی این کشور توسط شوروی، همچنین ایجاد رقابت تسلیحاتی بین دو کشور بود. ایران برای منحرف کردن و درگیر نمودن عراق به مشکلات داخلی اقدام به حمایت از کردهای عراق نمود. شوروی هم چون از ابتدای حکومت کمونیستی، خود را حامی گروه‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش و حامی مردمان مظلوم و ستمدیده معرفی کرده بود، در دوره حکومت سلطنتی عراق که تحت نفوذ انگلستان بود، از حرکات اعتراضی کردهای عراق حمایت می‌کرد و اسلحه در اختیار آنها می‌گذاشت یا رهبران آنها را در شوروی یا کشورهای بلوک شرق پناه می‌داد. اما بعد از کودتای عبدالکریم قاسم و برقراری روابط دوستانه با دولت جدید، سعی کرد حالت بی‌طرفی اتخاذ کند و از سیاست آشتی ملی قاسم که منجر به آتش‌بس با کردها شد، استقبال نمود؛ اما در دوره



عبدالسلام عارف و تیره شدن روابطش با عراق، شوروی سرکوب حزب کمونیست و کشتار کردها را محکوم نمود. با انعقاد قرارداد ۱۵ ساله مودت بین شوروی و عراق در دوره حکومت حزب بعث، سیاست شوروی در قبال کردها بی‌اعتنایی همراه با حمایت از حکومت مرکزی بود (Freedman, 1985: 132) و این بهترین فرصت برای ایران بود که بتواند با حمایت از کردهای عراق، باعث تضعیف دولت این کشور شود.

بازپس‌گیری جزایر سه‌گانه خلیج فارس توسط ایران و نادیده گرفته شدن اعتراض عراق نسبت به این امر و عدم کمک کشورهای عربی به این کشور، موجب شد عراق منزوی شده به فکر تحکیم روابطش با شوروی باشد. در همین اثنا آتش‌بس مابین عراق و ملامصطفی بارزانی رهبر جنبش کردی در عراق به علت نقض توافق‌نامه اول اسفند ۱۳۴۹ (۱۱ مارس ۱۹۷۰) و تلاش برای ترور ایشان لغو و تعداد زیادی از کردها توسط حکومت مرکزی عراق دستگیر شدند. در حالی که کردها در مواضع کوهستانی خودشان برای جنگ آماده می‌شدند. عباس خلعتبری وزیر امور خارجه ایران در آذرماه ۱۳۵۰ (دسامبر ۱۹۷۱) اعلام کرد که ایران به کردها در جنگ داخلی بین کردها و دولت عراق کمک خواهد کرد (Freedman, 1980: 10).

انزوای عراق و اوضاع داخلی به هم ریخته ناشی از شورش کردها، باعث شد در بهمن ۱۳۵۱ (فوریه ۱۹۷۲) صدام حسین دومین عضو قدرتمند در حکومت بعثی عراق، به دنبال امضای یک معاهده به مسکو سفر کند. شوروی نیز بنا به دلایل خودش به امضای چنین پیمانی علاقه‌مند بود. در وهله اول به شوروی یک نقطه قوت و جای پای دیگری در جهان عرب می‌داد و دوم شوروی را کم‌تر وابسته به موقعیت خود در مصر می‌ساخت (Franzen, 2011: 91) و با این رویکرد توافقنامه امضا شد. شوروی تصریح کرد به حمل و نقل عراق کمک خواهد کرد و یک پالایشگاه در موصل (در نزدیکی میدان کرکوک) با ظرفیت سالانه ۲۹۱ میلیون تن احداث خواهد نمود. همچنین به اکتشاف نفت در جنوب عراق کمک خواهد کرد. به علاوه روس‌ها چنین توافق کردند که به تکمیل خط لوله نفت بغداد بصره کمک بیشتری کنند. در این توافقنامه تصریح شد شوروی مانند سال‌های گذشته به صادرات نفت عراق خواهد پرداخت. در واقع افزایش شدید صادرات عراق به شوروی که تقریباً کل استخراج نفتی عراق را شامل می‌شد، نشان می‌دهد که این کالا عامل مهمی در تجارت شوروی و عراق محسوب می‌شد. این پیمان حمایت کامل شوروی از دولت عراق علیه کردهای این کشور را به همراه داشت.

رسانه‌های شوروی ادعا می‌کردند که کردها تحت تأثیر عوامل «امپریالیسم و ارتجاعی» قرار گرفته‌اند. از این‌رو از آنها حمایتی به عمل نمی‌آید. اتحاد جماهیر شوروی همچنین کمک‌های نظامی خود را به عراق افزایش داد و وزیر دفاع شوروی در ماه مارس به عراق رفت تا به احتمال زیاد تدارکات عراق را برای حمله به کردها بازرسی کند (11 Freedman, 1980).

در پرتو این تحولات، نفوذ شوروی در عراق، با بازدید نیروی دریایی شوروی به بندر عراقی ام‌قصر برجسته شد. شوروی هرگز اجازه نداد که مسئله کردها در روابط شوروی و عراق تأثیر بگذارد. آنها فقط تا حدی از خواسته کردها حمایت کردند که از ایده خودمختاری فراتر نروند. آنها با استفاده از وابستگی عراق به کمک‌های شوروی در سرکوب کردها در ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) به طور نظامی به بغداد کمک کردند (Golan, 1990: 160). و افزایش فروش تجهیزات نظامی به این کشور، تهران را مصمم به حمایت از کردها در جهت پیشبرد اهداف خود نمود.

با توجه به شرایط حاکم بر نظام دوقطبی و ساختار نظام بین‌المللی ناشی از جنگ سرد، روابط آمریکا و شوروی و نفوذ آنها در خاورمیانه، از جمله عوامل مهم و تأثیرگذار بر روابط ایران و عراق بود. تأثیر دیدار جرال فورد، رئیس‌جمهور آمریکا با برژنف، رهبر شوروی، در آذر سال ۱۳۵۳ در شهر «ولادی وستک» و موافقت هر دو کشور برای حل بحران‌های جهانی و پایان دادن به اختلاف در روابط ایران و عراق را نباید نادیده گرفت. ضمن اینکه مسائل داخلی عراق و درگیری با شورش کردها که ایران از آنها حمایت می‌کرد، در پذیرش پایان بخشیدن اختلافات با ایران از سوی عراق بی‌تأثیر نبود (ازغندی، ۱۳۷۹: ۴۰۷). در طی جلسه‌های سران اوپک که در الجزایر برپا بود، با میانجی‌گری انور سادات که رابطه دوستانه‌ای با شاه ایران داشت و هواری بومدین، رئیس‌جمهور الجزایر، محمدرضا شاه و صدام حسین دو ملاقات و گفت‌وگو با هم انجام دادند و مذاکرات مفصلی پیرامون اختلاف‌ها و روابط دو کشور صورت گرفت. نتیجه این مذاکرات امضای قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بود (دیب، ۲۰۱۳: ۱۷۸). بر اساس این توافق خط تالوگ به عنوان خط مرزی دو کشور شناخته شد و ایران به صورت تلویحی پذیرفت که از حمایت کردهای بارزانی دست بکشد و مقداری از اراضی عراق را که در تصرف خود داشت، به آن کشور بازگرداند (پارسادوست، ۱۳۶۴: ۱۶۵). توافقی‌های حاصل در قرارداد الجزایر به شرح زیر است:

۱. مرزهای آبی بین دو کشور باید بر اساس خط تالوگ باشد.

۲. دو کشور متعهد می‌شوند از هرگونه رخنه و خراب‌کاری در مرزهای یکدیگر اجتناب و جلوگیری نمایند.

۳. روابط همسایگی و دوستی به وسیله تماس‌های همیشگی باید تجدید گردد.

۴. پروتکل ۱۹۱۳ و صورت‌جلسه‌های سال ۱۹۱۴ مبنای علامت‌گذاری مرزی قرار گیرد. ماده ۱، به معنی پذیرش خط تالوگ در اروندرود توسط عراق است. مسأله‌ای که همیشه از آن طفره می‌رفت. این امتیاز بزرگی برای ایران بود.

ماده ۲، به معنی تعهد ایران در حمایت نکردن از کردهای عراق و تجهیز آنهاست. به منظور اجرای این معاهده چهار نشست بین وزرای خارجه ایران و عراق صورت پذیرفت و در نتیجه، عهدنامه حسن همجواری بین دو کشور در ۲۳ خرداد ۱۳۵۴ (۱۳ ژوئن ۱۹۷۵) به امضا رسید (زغندی، ۱۳۸۴: ۴۰۸-۴۰۷).

همچنین دو کشور اعلام کردند که خلیج فارس باید از مداخله بیگانگان دور بماند و رابطه برقرارشده بین ایران و عراق باید با تبادل و ارتباط دائم، پیرامون موارد مورد علاقه دو کشور حفظ شود (امینی، ۱۳۸۶: ۲۲۵).

#### ۴. نتیجه

پس از جنگ دوم جهانی و دوقطبی شدن ساختار نظام بین‌المللی، هرکدام از ابرقدرت‌ها درصدد گسترش نفوذ خود برآمدند. نیاز شدید کشورهای صنعتی به نفت خام برای بازسازی اقتصاد خود، خاورمیانه به‌خصوص خلیج فارس را به منطقه استراتژیک برای قدرت‌های جهانی تبدیل نمود. هرچند در حوزه خلیج فارس ایالات‌متحده وارث نظم انگلیس بود و آن منطقه را حیات خلوت خود می‌دانست، شوروی تلاش کرد تا جای پای در این منطقه پیدا کنند. عراق پس از انقلاب، تحت تأثیر شرایط جدید، راهبرد گرایش به شرق را در پیش گرفت. شوروی برای تأمین منافع ملی خود و فشار بر رقیب یعنی ایالات‌متحده، بازسازی و تجهیز نیروهای عراق را آغاز کرد. کشور ایران به عنوان متحد راهبرد ایالات‌متحده و تأمین‌کننده استخراج و صدور نفت در منطقه و ژاندارم خلیج فارس نسبت به تحولات عراق خوش‌بین نبود. گرایش عراق به شوروی خصومت بین دو کشور ایران و عراق را افزایش داد. جو نامنی و بدبینی که بر روابط دو کشور حاکم شده بود باعث خرید ادوات نظامی و رقابت تسلیحاتی و نظامی بین دو کشور و بهانه برای تضعیف همدیگر با حمایت از گروه‌های مخالف هم گردید. دولتمردان عراقی در اجرای راهبرد شوروی برای تضعیف ایران، اختلافات مرزی و قومی را تشدید و با حمایت

همه‌جانبه از گروه‌های وابسته به خود، تلاش کردند برتری ایران را به چالش بکشند. حکومت ایران هم با حمایت از کردها و شکاف قومی و ایدئولوژیک و شرایط خاص عراق، به سیاست‌های حاکمان این کشور واکنش نشان داد. در راستای تحقق سیاست شوروی و تضعیف ایران، مسئله اختلاف‌های مرزی به زدوخورد نظامی دو کشور انجامید و سرانجام به عقد قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر منتهی شد.

## منابع

- ازغندی، علیرضا، ۱۳۸۴، *روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده) ۱۳۵۷-۱۳۲۰*، تهران، قومس.
- ازغندی، علیرضا، ۱۳۷۹، *تاریخ تحولات سیاسی-اجتماعی ایران (۱۳۵۷-۱۳۲۰)*، تهران، سمت.
- ازغندی، علیرضا، ۱۳۷۹، *روابط خارجی ایران (دولت دست‌نشانده) ۱۳۵۷-۱۳۲۰*، تهران، قومس.
- اسدی، بیژن، ۱۳۸۱، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران، سمت.
- امیری، عباس، ۱۳۵۵، *خلیج فارس و اقیانوس هند در سیاست بین‌الملل تهران*، مؤسسه پژوهش‌های سیاسی و اقتصادی بین‌الملل.
- امینی، علیرضا، ۱۳۸۶، *تاریخ روابط خارجی ایران در دوره پهلوی*، تهران، صدای معاصر.
- آشوری، داریوش، ۱۳۵۷، *فرهنگ سیاست*، تهران، مروارید.
- بیگدلی، علی، ۱۳۸۶، *تاریخ سیاسی و اقتصادی عراق*، تهران: میراث ملل.
- پارسادوست، منوچهر، ۱۳۶۴، *زمینه‌های تاریخی اختلاف ایران و عراق*، تهران، سهامی انتشار.
- پارسادوست، منوچهر، ۱۳۸۵، *ما و عراق از گذشته دور تا امروز*، تهران، سهامی انتشار.
- جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۸۹، *ژئوپلیتیک تنگه هرمز و روابط ایران و عمان*، پژوهشنامه علوم سیاسی سال پنجم، شماره سوم، ۶۳-۳۵.
- جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۷۰، *بررسی تاریخی اختلافات مرزی ایران و عراق*، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۶، *تشیع در عراق*، مرجعیت و ایران، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- الجمالی، محمد فاضل، ۱۹۵۴، *العراق بین امس و الیوم*، بغداد، بی‌نا.
- حسین، فاضل، ۱۹۸۶، *سقوط النظام الملكي فی العراق*، بغداد، مطبعه الادیب.
- دیب، کمال، ۲۰۱۳، *موجر تاریخ العراق*، بیروت، دارالفارابی.
- روبین، باری، ۱۳۶۳، *جنگ قدرت‌ها در ایران محمود مشرقی*، تهران، آشتیانی.
- طارمی، کامران، ۱۳۷۹، «*تحلیلی بر سیاست امنیت ملی ایران در قبال منطقه خاورمیانه در دوران حکومت پهلوی ۱۹۶۲-۱۹۷۹*»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ش ۴۹، ۱۱۹-۱۵۸.
- طبری، احسان، ۱۳۷۳، *کژراهه*، خاطراتی از تاریخ حزب توده تهران، امیرکبیر.
- عاقلی، باقر، بی‌تا، *روزشمار تاریخ ایران*، تهران، گفتار.
- عاقلی، باقر، ۱۳۷۰، *نخست‌وزیران ایران از مشیرالدوله تا بختیار*، تهران، جاویدان.
- العانی و آخرون، نوری عبدالحمید، ۲۰۰۴، *تاریخ الوزارات العراقیه فی العهد الجمهوری*، بغداد، جامعه البغداد.

عزتی، عزت‌الله، ۱۳۸۴، *تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق*، تهران، وزارت امور خارجه.  
العکیدی یشار فتحي جاسم، ۲۰۰۸، *الموقف الروسی من الضغوط الامریکیه علی العراق (۲۰۰۳-۱۹۹۱)* مجله در اسات اقلیمیة العدد.

قوام، عبدالعلی، ۱۳۸۹، *روابط بین‌الملل نظریه‌ها و رویکردها*، تهران، سمت.  
کاردانکوس هلن، ۱۳۶۷، *نه جنگ و نه صلح*، ترجمه علیرضا هوشنگ مهدوی، تهران، نشر نو.  
کامل، عبدالمجید، ۱۹۹۱، *الملک فیصل الاول*، بغداد، دارالشؤون الثقافیة العامه.  
مار، فب، ۱۳۸۰، *تاریخ نوین عراق*، ترجمه محمد عباسپور، مشهد، آستان قدس رضوی.  
المحداوی غضون مزر حسین، ۲۰۰۵، *التطورات السیاسیة و الاقصادیة و الاجتماعیة فی العراق العہد الجمهوری*، بغداد، جامعه البغداد.

مدنی، سید جلال‌الدین، ۱۳۵۷، *تاریخ سیاسی معاصر ایران*، قم، حوزه علمیه.  
مرتایمر، لوئیس‌ان، ۱۳۸۰، *بررسی کشور عراق*، ترجمه سیدجلال صالحی، کرمانشاه، باغ ابریشم.  
مروان جمال مصطفی، ۱۹۸۹، *عبدالکریم قاسم البدایه و السقوط*، بغداد، دارالعربیة للطباعة.  
میلانی، عباس، ۱۳۸۰، *معمای هویدا*، تهران: اختران.  
نظامعلی دهنوی، ۱۳۸۳، *روابط سیاسی ایران و عراق در عصر حاکمیت عبد الکریم قاسم (۱۹۶۳-۱۹۵۸)*، تاریخ روابط خارجی، شماره ۱۹.

واسیلیف، الکسی، ۱۳۸۷، *مشعل‌های خلیج فارس*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران، کتاب‌های جیبی.  
وزارت امور خارجه ایران، ۱۳۴۸، *حقایقی چند درباره اختلافات ایران و عراق راجع به شط‌العرب*، تهران، کیهان.

هالییدی، فرد، ۱۳۵۸، *ایران دیکتاتوری و توسعه*، ترجمه محسن یلفانی و علی طلوعی، تهران، علم.  
هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۸۴، *تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ دوم جهانی (۱۹۴۵-۱۵۰۰)*، تهران، امیرکبیر.  
هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۸۹، *تاریخ روابط خارجی ایران از پایان جنگ جهانی دوم تا سقوط رژیم پهلوی (۱۳۵۷-۱۳۲۴)*، ناشر، مؤلف.

الهی، همایون، ۱۳۸۴، *خلیج فارس و مسائل آن*، تهران، قومس.

Al-Marashi, I. and Salama, 2008, *S. Iraq's armed forces: an analytical history*. Routledge.-

Crist, D. 2013, *The Twilight War: The secret history of America's thirty-year conflict with Iran*. Penguin Books.

Franzén, J, 2011, *Red star over Iraq: Iraqi communism before Saddam*. Columbia University.

Freedman, R.O.1980, *Soviet Policy Toward Ba'athist Iraq, 1968-1979*. Army War Coll Strategic Studies Inst Carlisle Barracks PA.

Freedman, R.O.1985, Patterns of Soviet Policy toward the Middle East. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, 482(1), pp.40-64).

- Fukuyama, F., 1980, *The Soviet Union and Iraq Since 1968*. Santa Monica, CA: RAND Corporation. [https:// www. rand. Org / pubs / notes / N1524.html](https://www.rand.org/pubs/notes/N1524.html). Also available in print form.
- Golan, G, 1990, *Soviet Policies in the Middle East: From World War Two to Gorbachev* (Vol. 2). CUP Archive .
- Graham, R., 1979, *Iran: The Illusion of Power*. New York: St.
- Hippler, J, 1993, *Iraq's military power: the German connection*. *Middle East report*, 168, 1991. -
- Hunter, S., 1990, *Iran and the world: continuity in a revolutionary decade*. Indiana Univ Pr.
- Hunter, S., 1993, Iran and Syria: from hostility to limited alliance. In *Iran and the Arab world* (pp. 198-216). Palgrave Macmillan, London.
- Ismael, T.Y. and Kreutz, A, 2001, Russian-Iraqi relations: A historical and political analysis. *Arab studies quarterly*, pp.87-115.
- Khadduri, M., 1951, *Independent Iraq*. London: Oxford University Press.
- Kozhanov, N.A. 2012, The pretexts and reasons for the allied invasion of Iran in 1941. *Iranian Studies*, 45(4), pp.479-497.
- Kuniholm, B. R., 1984, *The Persian Gulf and United States policy: a guide to issues and references*. Regina books .
- Lee, S.J, 2013, *From Beijing to Baghdad: Stability and Decision-making in Sino-Iraqi Relations*, (1958-2012).
- Monroe, E., 1963, *Britain's Moment in the Middle East, 1914-1956*, London. Picquet, R. 1996, Weapons Acquisition and Arms Racing in the Middle East. In *Change and Continuity in the Middle East* (pp. 192-232). Palgrave Macmillan, London.
- Pirinççi, F., 2015, Power Struggle in the Gulf: A Re-evaluation of the Iran-Iraq War/Basra Körfezi'nde Güç Mücadelesi: Iran-İrak Savası'nın Yeniden Değerlendirilmesi. *Akademik İncelemeler Dergisi*, 10(1) .
- Rouhal R., 1975, *Iran s foreign polisy ,1947.1973*.virginia:Virginia university.
- Sheikh, A.T. 1987, *Persian Gulf in the Soviet perceptions: a case study of the Ba'thist Iraq* (1968-1975).
- Simon, R.S. 1985, *Iraq between The Wars: The Creation and Implementation of A Nationalist Ideology*.
- Smolansky, O.M. and Smolansky, B.M. 1991, *The USSR and Iraq: The soviet quest for influence*. Duke University.
- Sobhani, S., 1989, *The pragmatic Entente İsraili-Iranian Relations. 1948-1988*, New York: Praeger.
- Stork, J. and Paul, J, 1983, Arms sales and the militarization of the Middle East. *MERIP Reports*, (112), pp.5-15.
- Young, T. C., ed, 1965, *Middle East Focus: The Persian Gulf*, Princeton University Conference.